

جمهوری آذربایجان

نام رسمی کشور آذربایجان جمهوری آذربایجان (به آذربایجانی: Azərbaycan

Respublikası) و پایتخت آن باکو است. جمهوری آذربایجان در منطقه جغرافیایی

قفقاز و در گذرگاه اروپا و آسیای جنوب غربی و در جوار دریای خزر قرار گرفته

است.



نوع حکومت جمهوری آذربایجان جمهوری پارلمانی چند حزبی با یک مجلس

قانونگذاری است. جمهوری آذربایجان سکولار است و از سال ۲۰۰۱ به عضویت

شورای اروپا در آمده است. ولی به دلیل عدم وجود نهادهای دموکراتیک این

جمهوری تازه استقلال یافته، هم چنان از میراثهای ساختار استبدادی اتحاد

جماهير شوروی رنج می برد. اکثریت جمعیت جمهوری آذربایجان مسلمان شیعه

هستند. ۸۹٪ جمعیت آن ترک زبان هستند. در کنار زبان ترکی آذربایجانی (زبان

رسمی) زبانهای روسی، ارمنی، کردی، تالشی، عبری و لزگی نیز صحبت می شود.

جغرافیا

جمهوری آذربایجان در جنوب رشته کوه‌های قفقاز و شمال رودخانه ارس در مجاورت دریای خزر واقع شده.

کشورهای مجاور جمهوری آذربایجان عبارت‌اند از: ایران، ارمنستان، ترکیه، گرجستان، روسیه و کشورهای دیگر کناره دریای خزر، ترکمنستان و قزاقستان. جمهوری آذربایجان شامل منطقه خود مختار نخجوان است که در غرب ارمنستان، شمال غرب ایران و شرق ترکیه قرار دارد.



تقسیمات کشوری جمهوری آذربایجان

تقسیمات کشوری جمهوری آذربایجان به این صورت است که کشور به ۵۹ بخش، ۱۱ شهر و ۱ جمهوری خودمختار تقسیم شده است.

آب و هوا

از لحاظ آب و هوایی جمهوری آذربایجان دارای چندین نوع آب و هوای مختلف است. درجه هوای متوسط در مناطق جلگه‌ای شمال و شرق کشور تا ۶ سانتیگراد در زمستان و ۲۶ سانتیگراد در تابستان می‌رسد، در حالیکه در مناطق کوهستانی غربی زمستانها تا ۹- در زمستان و ۱۲ درجه سانتیگراد در تابستان می‌رسد. بطور کلی شمال و شرق کشور دارای آب و هوای نسبتاً خشک و کوهستانی است در حالیکه منطقه جنوب شرقی آب و هوای مرطوب و ملایم تری دارد. مناطق غربی شامل قره باغ و نخجوان نسبتاً مرطوب و کوهستانی هستند. مناطق مرکزی شامل جلگه‌های وسیع مستعد کشاورزی است که توسط رود کورا آبرسانی می‌شوند.

اقتصاد

نرخ رشد جمعیت: ۰/۵۲

متوسط تولید ناخالص داخلی: ۳۴۰۰ دلار

نرخ رشد اقتصادی: ۱۰،۲ (۲۰۰۴)

جمهوری آذربایجان در مقایسه با جمهوریهای تازه استقلال یافته اطراف خود در اثر بهره برداری از منابع نفتی و سرمایه‌گذاری پس از استقلال توسعه بیشتری

پیدا کرده است. با وجود این بعد از استقلال این کشور، تورم فزاینده ناشی از آثار جنگ قره‌باغ همراه با سیاست‌های آزادسازی قیمت‌ها و خصوصی سازی اقتصاد موجب شد که مردم جمهوری آذربایجان تحت فشارهای شدید اقتصادی قرار گیرند و قدرت خرید آنها به سرعت کاهش یابد ولی از سال ۱۹۹۶ میلادی، افزایش درآمدهای حاصل از قراردادهای نفتی بین المللی، روند رو به رشد سرمایه گذاری خارجی، اعتبارات صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و مساعدت کشورهای اروپایی موجب شد تا اقتصاد نابسامان این کشور کمی رو به بهبود گذارد.

جمهوری آذربایجان برای ثبات بخشیدن به اوضاع اقتصادی با کمک صندوق بین المللی پول دو برنامه اقتصادی را به اجرا درآورده و توانسته است میزان تورم را کاهش دهد. میزان تورم در این کشور از ۴۱۱ درصد در سال ۱۹۹۵ میلادی به ۲۰ درصد در سال ۱۹۹۶ میلادی و ۳/۷ درصد در سال ۱۹۹۷ و صفر درصد در سال ۱۹۹۸ میلادی و (۰-۵) درصد در نیمه نخست سال ۲۰۰۰ میلادی کاهش یافته است.

انجام اصلاحات اقتصادی در این کشور و آزادسازی تجارت موجب پاگیری طبقه جدیدی از تجار و صاحبان صنایع با سرمایه‌های اندک شد. با این حال نباید فراموش کرد که این کشور در مرحله گذار از اقتصاد متمرکز کمونیستی به اقتصاد بازار است و هنوز بخش‌هایی از اقتصاد کشور به شیوه سابق اداره می‌شود.

چنین به نظر می‌رسد که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق تاکید دولت جمهوری آذربایجان در بخش اقتصادی بیشتر بر توسعه فعالیت‌های نفتی بوده است. ولی پیش از این توسعه کشاورزی نیمه مکانیزه در جمهوری آذربایجان مورد تاکید قرار داشت. خشکسالی‌های پی در پی چند سال اخیر تا حد زیادی در انگیزه توسعه بخش کشاورزی جمهوری آذربایجان خلل ایجاد کرده و خسارات فراوانی در این بخش به بار آورده است. البته در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی سرمایه‌گذاری‌های کلانی در این بخش صورت گرفت.

سالهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۵ میلادی اوج رونق کشاورزی در جمهوری آذربایجان بود. در اواسط ۱۹۸۰ میلادی این جمهوری حدود ۱۸ درصد از کل نیازهای مواد غذایی، ۷ درصد محصول پنبه، ۲۲/۵ درصد از تنباکو و ۲۱ درصد انگور اتحاد جماهیر اتحاد جماهیر شوروی سابق را تولید می‌کرد. اما پس از استقلال، میزان تولید محصولات کشاورزی و دامی کاهش چشمگیری داشته است. کمبود منابع مالی برای تأمین کود، بذر، تجهیزات و ماشین‌آلات و فقدان سیستم مدیریتی کارآمد از دلایل عمده این کاهش است. جمهوری آذربایجان با کمک کارشناسان بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و با اجرای برنامه‌های خصوص سازی و واگذاری زمین‌های زراعی و اختصاصی یارانه سوخت به کشاورزان درصدد توسعه بخش کشاورزی برآمده است.

علیرغم وجود زمینه‌های مساعد کشاورزی، در شرایط کنونی این جمهوری مجبور به واردات ۴۰۰ میلیون دلار مواد غذایی در سال است. طبق برآورد ژوئیه سال ۲۰۰۰ میلادی میزان تولید ناخالص داخلی (GDP) جمهوری آذربایجان حدود ۵

میلیارد دلار بود که تولیدات کشاورزی ۱۸/۸ درصد، تولیدات صنعتی ۴۲/۸ درصد و فعالیتهای خدماتی ۳۸/۳ درصد از آن را تشکیل می‌داد. اگرچه میزان تولید ناخالص داخلی جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۹۸ میلادی حدود ۴ میلیارد دلار بود ولی بالا رفتن قیمت جهانی نفت خام منجر به ترقی میزان تولید ناخالص داخلی این کشور شده است. میانگین رشد تولید ناخالص داخلی جمهوری آذربایجان در

فاصله سالهای ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۸ میلادی (۱۰/۸۵-) درصد بود ولی این میزان در انتهای سال ۱۹۹۹ میلادی به ۱۰ درصد افزایش یافت و در سال ۲۰۰۰ به ۱۱/۱ درصد رسید. (The states man year book، ۲۰۰۳، p.۲۴۸) همچنین متوسط درآمد سرانه مردم از تولید ناخالص داخلی این جمهوری در سال ۲۰۰۳ به ۳۴۰۰ دلار رسید.

استخراج نفت خام و گاز طبیعی، تولید فرآورده‌های نفتی، صنایع فلزی، استخراج سنگ آهن، تولید سیمان، مواد شیمیایی و پتروشیمی و منسوجات مهم‌ترین فعالیت صنعتی این کشور را تشکیل می‌دهد.

از تعداد بالای مهاجرین و آوارگان (حدود ۷۰۰ هزار نفر) در جمهوری آذربایجان باید به عنوان یکی از بزرگترین معضلات اقتصادی این کشور نام برد. تأمین مخارج این گروه از افراد بخشی از درآمدهای نفتی جمهوری آذربایجان را صرف

خود می‌کند. همچنین صنایع این کشور قدیمی و فرسوده است و هزینه بالای استهلاک صنعتی در این کشور مانع از سرعت توسعه اقتصادی آن شده است.

جمهوری آذربایجان تولیدکنندهٔ مواد کشاورزی نظیر غلات، پنبه، توتون، سیب زمینی، میوه‌ها، سبزی‌ها و چای می‌باشد. صادرات این کشور علاوه بر

محصولات کشاورزی شامل کالاهای صنعتی، مواد غذایی، ماشین‌آلات و ماشین‌های فلزکاری، محصولات نساجی، نفت و گاز و مواد شیمیایی و پتروشیمی

می‌باشد. در مقابل، جمهوری آذربایجان به واردات محصولات صنایع غذایی، ماشین‌آلات صنعتی و فلزکاری، برخی مواد غذایی، ماشین‌آلات تولید فلزات

غیرآهنی و آهنی و برخی محصولات کشاورزی نیاز دارد. جمهوری آذربایجان برای سروسامان بخشیدن به وضعیت اقتصادی خود تلاش‌های دامنه‌داری برای

جذب سرمایه‌های خارجی به ویژه در بخش نفت و گاز به عمل آورده است. با وجود ذخایر غنی نفت و گاز در جمهوری آذربایجان، این بخش از اهمیت بسزایی

در آیندهٔ اقتصاد این کشور برخوردار است.

مطابق گزارش سازمان‌های اقتصادی، در سال ۱۹۹۶ م (۱۳۷۵ ش) شرکت‌های خارجی حدود ۷۰۰ میلیون دلار در اقتصاد این کشور سرمایه گذاری کرده اند. مجموع سرمایه گذاری خارجی جذب شده در سال ۱۹۹۷ م (۱۳۷۶ ش) حدود یک میلیارد دلار برآورد می‌شود. برای اقتصاد جمهوری آذربایجان که به بیش از ۲۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری بویژه در بخش نفت و گاز نیاز دارد، روند رو به رشد سرمایه گذاری خارجی به خصوص از سوی سرمایه‌گذاران آمریکایی حایز اهمیت است.

کارشناسان اقتصادی بر این باورند که با بهبود شرایط اقتصادی جمهوری آذربایجان، بازار این کشور رو به توسعه می‌باشد. " (افشردی، ص ۱۹۶) در فرآیند گذر از نظام گذشته به نظام جدید، بخش‌های اقتصادی نیز دچار تغییراتی گردید بطوری که در سالهای ۹۷-۱۹۹۵ م، سهم بخش‌های صنعت و کشاورزی در تولید ناخالص داخلی کاهش و سهم بخش ساختمان و بخش بازرگانی رو به افزایش گذاشت. این تغییرات ساختاری در اقتصاد کشور عمدتاً ناشی از جریان آزاد سازی قیمت‌ها و دیگر سیاست‌های اقتصادی دولت است که از سال ۱۹۹۲ م در این کشور آغاز گردیده است. تولید ناخالص داخلی جمهوری آذربایجان بر اساس هزینه‌های جاری نیز نشان دهندهٔ رشد مصرف خانواده‌ها و نیز مصرف بخش دولتی است. بطوری که هزینه‌های مصرفی بخش خصوصی از ۱۰۲ میلیارد منات

در سال ۱۹۹۳ م به ۱۲۰۴۳ میلیارد منات در سال ۱۹۹۷ م بالغ گردیده است. همچنین، طی این دوره، مصارف بخش دولتی نیز از ۴۸ میلیارد منات به ۱۸۲۸ میلیارد منات افزایش پیدا کرده است. در سال ۱۹۹۳ م، جمهوری آذربایجان از حوزه روبل خارج گردید و از اول مارس ۱۹۹۴ م، منات به عنوان پول ملی و رسمی کشور شناخته شد و برای توسعه بازار پولی، مبادلات ارزی در شبکه بین بانکی باکو بوجود آمد.

در سال ۱۹۹۵ م، سیستم تک نرخ ارز بوجود آمد و نیز در همین سال، در اثر اجرای برنامه‌های تثبیت اقتصادی که از طرف صندوق بین المللی پول حمایت می‌شد، نرخ تورم از ۱۶۶۴ درصد در سال ۱۹۹۴ م به ۴۱۱/۸ درصد در سال ۱۹۹۵ م، ۱۹/۸ درصد در سال ۱۹۹۶ و ۳/۷ درصد در سال ۱۹۹۷ م کاهش یافت. در سال ۱۹۹۶، اصلاحات ساختاری از جمله خصوصی سازی ادامه یافت اما گسترش فساد مالی و مقاومت نهادها و مدیران شرکت‌های دولتی مانع از پیشرفت سریعتر برنامه‌های اصلاحی و جلب سرمایه‌های خارجی برای تجدید ساختار صنایع غیرنفتی در این کشور شده است.

تاریخ

منطقه که امروز جمهوری آذربایجان نامیده می‌شود در گذشته به نام آلبانیای قفقاز یا آران و شیروان نامیده می‌شد. و اصولاً آن سوی رود ارس تا سال ۱۹۱۸ هیچ‌گاه نام آذربایجان نمی‌داشت این منطقه پس از جنگ‌های ایران روس و طی معاهده ترکمنچای به همراه دیگر شهرهای قفقاز جنوبی از خاک ایران جدا گردید و به روسیه تزاری ملحق شد و پس از آن اتحاد جماهیر شوروی میراث دار این تغییرات گردید. در سال ۱۹۱۸ حزب مساوات با تحریک ترکان عثمانی و بر اساس عقاید پان‌ترکیسم دولتی تشکیل داد و نام آن را جمهوری مستقل آذربایجان نامید در سال ۱۹۲۰ این حکومت به وسیله بلشویکها سرنگون گردید. دوران باستان

حدود نه قرن پیش از میلاد اقوام آریایی (مادها) در این سرزمین سکنی گزیدند و در قرون هفتم و هشتم پس از شکست ایرانیان و سقوط دودمان ساسانی اعراب بر این سرزمین مسلط شدند. سلجوقیان

در دوره سلجوقیان حکمرانان محلی آذربایجان که خراج گزار سلجوقیان بودند این سرزمین را اداره می‌کردند. دوران سلجوقیان دوران شکوفای ادبیات فارسی در منطقه آران و شیروان است. مشهورترین شاعران این دوران نظامی گنجوی، خاقانی شروانی می‌باشند. حمله مغول و تیمور

در قرون سیزده و چهارده میلادی با هجوم مغولها و تاتارها(تیمور لنگ)سلسله های محلی ور افتادند. در قرن پانزده میلادی خانان محلی تحت سلطه آق قویونلو ها، تا به سلطنت رسیدن شاه اسماعیل صفوی به قسمت عمده اران، شروان و قره

باغ تسلط داشتند. آران و شروان (جمهوری آذربایجان) جزو اولین مناطقی بود که شاه اسماعیل صفوی تحت سلطه خود در آورد. بعد از جنگ تاریخی چالدران این منطقه به اشغال ترکان عثمانی درآمد تا دو باره هشتاد سال بعد ایرانیان(شاه عباس) موفق به بازپسگیری این منطقه شدند.افشار و قاجاریه

در قرون بعد تحت حکومت افشاریه و سپس این سرزمین در داخل حکومت قاجاریه قرار داشته که در نهایت به سال ۱۲۰۷ خورشیدی در پی پیمان ترکمانچای میان ایران و روسیه از ایران جدا و به ضمیمه روسیه تزاری شد.

جمهوری دمکراتیک آذربایجان (آذربایجان دمکراتیک جمهوری) در سال ۱۹۱۸بدنبال فروپاشی روسیه تزاری اعلام موجودیت کرد. رهبری این جمهوری را

محمد امین رسولزاده از حزب مساوات آذربایجان بر عهده داشت. سران این دولت نام آذربایجان را بر این جمهوری گذاشتند که با اعتراض روشنفکران ملی ایرانی آذربایجان روبرو شد. ولی به دلیل ضعف ایران و پشتیبانی بلشویکها نتیجه بخش

نبود.در اتحاد جماهیر شوروی

از سال ۱۹۲۰ با پیروزی بلشویکها جمهوری آذربایجان یکی از جمهوری‌های تشکیل دهنده اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بود. استقلال

جمهوری آذربایجان در روز ۳۰ اوت ۱۹۹۱ در خلال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی اعلام استقلال نمود.

سیاست

بدنبال استقلال، فعالیتهای سیاسی در جمهوری آذربایجان به شدت افزایش یافت. یکی از بزرگ‌ترین سازمانهای سیاسی اپوزیسیون جبههء خلق آذربایجان حول ملی‌گرایی ملی و دفاع در مقابل حملات ارمنستان تشکیل شد. این سازمان در مراحل بعدی حاوی فراکسیونهایی با اندیشه‌های پان‌ترکیستی نیز بوده است. در اولین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری ابوالفضل ایلچی‌بیگ با اندیشه‌های قوم‌گرایانه این مقام رسید، بعد از انتخاب ایلچی‌بیگ وی به همراه وزیر کشور خود اسکندر حمیدف در چندین نوبت خواستار تشکیل ترکیه بزرگ که شامل تمام نواحی شمالی ایران می‌شد شدند. جالب این‌جاست که با وجود اظهارات ضد ایرانی ایلچی‌بیگ دولت جمهوری اسلامی ایران حمایت خود را از جمهوری آذربایجان در جنگ با ارمنستان قطع نکرد. پس از شکست‌های پیاپی در جنگ با ارمنستان، و شکست تقریباً تمامی سیاستهای وی، و چندین قیام خونین در چند شهر از جمله

گنجه، علی‌اف رئیس وقت پارلمان طی یک کودتای بدون خونریزی قدرت را به دست آورد و ایلچی‌بیگ به تبعید فرستاده شد.

در زمان ریاست‌جمهوری وی و وپسرش روابط با ایران به تدریج گرم و گرمتر شد، تا جایی که روسای جمهور هر دو کشور در چندین نوبت به کشور یکدیگر سفر کرده‌اند، و جمهوری کنسولگری‌ای نیز در شهر تبریز افتتاح کرد و علی‌اف پسر به آن شهر سفر کرده و با تجار آن دیدار کرد. موافقتنامه‌های زیادی نیز در زمینه‌های تجاری، ورزشی، فرهنگی و مرزی بین دو کشور بسته شده است. طبق این معاهده‌ها سفر به کل جمهوری خودمختار نخجوان و در بخش اصلی جمهوری تا چندین کیلومتر از مرز بدون ویزا امکان‌پذیر است و تقریباً تمامی احتیاجات نخجوان (گاز، برق، مواد غذایی و...) به علت بسته بودن مرز با ارمنستان از طریق ایران انجام می‌شود. در حال حاضر جریان‌ات ضدایرانی تنها در بخش‌هایی از اپوزوسیون دولت این کشور دیده می‌شوند.

مسائل مورد مناقشه

در پی گسسته شدن اتحاد جماهیر شوروی و آغاز درگیری‌های قومی، تعداد کثیری از ساکنان ارمنی منطقه قره‌باغ با مداخله ارتش جمهوری ارمنستان موفق به کنترل این ناحیه و شش ناحیه غیر ارمنی نشین شدند. جمهوری قره‌باغ که کنترل

بیشتر درصد از اراضی جمهوری آذربایجان را دارد تا کنون توسط هیچ کشوری

به رسمیت شناخته نشده است و از هر لحاظ تحت نفوذ و حاکمیت ارمنستان

می باشد. در اثر این جنگهای حدود یک میلیون اهالی آذری و کرد و آذری جنگزده

این منطقه بی خانمان گشته و تعداد کثیری هنوز در پناهگاههای موقتی و نیمه

موقتی بسر می برند.

جمعیت شناسی

۸۹٪ جمعیت جمهوری آذربایجان آذری و ۱۱٪ تالشی، تات، ارمنی و غیره می

باشد.

فرهنگ

فرهنگ مردم جمهوری آذربایجان بنا به موقعیت جغرافیایی و میراث تاریخی متأثر

از فرهنگهای مختلف منطقه قفقاز و خاورمیانه از جمله فرهنگهای ایرانی، ترکی،

روسی و اسلامی است. امروزه فرهنگ غربی با شدت بسیار رایج می گردد. بجز

اکثریت آذربایجانی مردم ملتهای متفاوتی همچون ارمنی ها، کردها و تالشی ها در

جنوب و شرق و لزگی ها و یهودی ها و تات ها در شمال به رنگارنگی زبانها و

فرهنگ رایج افزوده اند.

برگزاری جشن نوروز و موسیقی سنتی موقام نشانه های نزدیکی و تأثیر ماندگار

و تاریخی به فرهنگ ایرانی هستند. از لحاظ ادبیات نیز شعرایی مانند خاقانی

شروانی و نظامی گنجوی از خاک جمهوری آذربایجان فعلی بر خواسته اند و تأثیر

های اساسی در ادبیات فارسی داشته اند.

ادیان در هر جامعه ای شالوده های اساسی فرهنگ آن جامعه را تحت تأثیر می آورند. اکثر مردم آذربایجان را مسلمانان شیعه تشکیل می دهند. پیروان ادیان مسیحی ، یهودی و مسلمانان شیعه و سنی به درجات متفاوت در شکل گیری فرهنگ جمهوری آذربایجان نقش داشته اند.

دین و مذهب

پیرامون ۷۰ درصد مردم جمهوری آذربایجان شیعه هستند و کلاً ۹۳,۴ درصد

مردم این کشور مسلمان بوده و ۴,۸ درصد مسیحی ارتدکس و بقیه (۲,۴ درصد)

پیرو کیش های دیگرند.